

سخن از عادی شدن رویدادها بود که تکرار امری زود عادی میشود و یا ازدواجی با ذوق اولیه زود سرد میشود و عزیزان پاسخهایی دادند که هر کدام در جای خود مهم و قابل استفاده برای افراد است. پرسش از زود تمام شدن ذوق و شوق بود حال این پرسش مطرح میشود که اگر هر چیز با تکرار و یا مداومت عادی میشود و سرد و رها میشود حتی سخنان حکمت که ابتدا بسیار گرمی داده بود چرا

وقت کسی پول هنگفت می شمرد که به شما بدهد شمردن هانه سردی می آورد و نه عادی و حتی حرص هم شدت میگیرد چون بعد پول قباله و ز رهم قرار است بدهد و تا 48 ساعت شمردن ها ادامه دارد چرا خواب نمی آید؟

چرا اگر به کسی تهمت ناروا مثلا دزدی بدهند ساعتها با اتهام زننده بحث داغ داغ میکنند نه خسته میشود و نه می خوابد تا ثابت کند

پاسخ به این پرسشها ، ما را به نتیجه می رساند که چرا هر ذوق و شوقی در امور زود عادی میشود و چرا اینجا نمیشود